

او متعلقه صاحب یلوب التمدیدی و یو جوهری ایام صندوقی زمینه المشرقی ماکر  
 ملاج روزگار کشتی حیاتی در بای می ته صامندی حقا که جواهر کلیت  
 بلاغت مصنوفی که کان فصاحتن مخلوط در جوهر مان از اعرافان مسکن  
 مقبول و مرغوب و یلوب تندرته اندیشه کان و ان جانندن استخراج اندر  
 لعل ابرار و بافتش سبالی الکل تاج اصحاب معارف و فلا ده کردن ارباب  
 کمال و کشیدی خدی خوش صحبت بطرح الکلف در پیش شرب و خوش نشسته  
 کسند بری والذو و وسع مکان فاشی شام شرف غزوات این منور و ذوق قافله  
 حج قاصد یلوب قافل رحلت لری نزل شامه نازل و لوقده ارغده موقبل کمال  
 محبت و جلالت حاصل اولمشیدی بو بر یکی شعار منور کمالنا طبع بر اقدار بر  
 بولون انک اکتلی برینه دل ایینه فالله  
 کنگر بر خدایا کلمه تیدی باردن  
 خار خار کردن مود و نواته بری شسته  
 طفل بر رویه چشم اش غافل جاعلمک  
 الهم فحش حبه خواس خجالدر  
**زین طایفه است حافظ علی** دبا رنیزان نرندانی تو فخر کلمه در نامی محمد  
 حقا که علوم و محال انک جمله سنی تفصیل و فنون غیره تکمیل همیشه حفظ موهبی  
 حیدون افزون لکن دقت نظر فانی رسته ادراک شمه درون بیرون ایدی  
 اسیا و اشعاری دنی بومضالی و زره انز اشعار شیک منای غزابت و اداسی  
 رکاکت او زره کلمات عتول بی نام بوط و نام مقوله در بوجای ایا بعضی کلمات بافت  
 سبحا و اردر که خاسته مقبول و حیرت فزانی اصحاب فخر لدر حیدون بولدر  
 فلک التون بنیک در کم ریمی ساید  
 خوش که مکه کجند برینا عرولا  
 فن خشن ابره اول بوانا که سوزی هم  
 و اشعار غیره سینه ندر که بر او ری تو فخر کلمه و فائده مرئیه دلمت بر بودر طلسمی  
 جنبه بر جنبه از اندی قطارن بودر کوزی ده جنبه بر جنبه ایا بقضای آدم معاد الله

حدیثی از حافظ  
 حافظ علی

مرحوم مزین بوده در سراسر کن مرحوم سلطان سلیمان خان اناسیده  
 قشدر فقه در لغوه شمشیره کلمه مولانا ایدر قوم استیصال ایدر  
 بوغنی و بر مشدر بیت دانایر مومن کس با مفاخره لریا نیکلیغ  
 حصا را نیشا تشن ای آه انکاسین مالز را نیکلیغ سلطان سلیمان  
 اول سبیل نوره استندیده علی باشا در رسن اشدر تا لعل  
 ایدر یکی کن بلبلک نامی بودر معارف کالکتاب فزرت العلوم ارجاع علم  
 انی نقطه و اخذ لوک بلدی علم فزندی الوالمعانی بر او شمشدر و احوال  
 عشقده بر کتاب و یلوب اذنی لغت المصدا و روشدر بواسطی عزیزین  
 نه مقوله انصاف تحفه اندولی معلوم صحاب معلوم و رسوم ارباب مقبول  
 و رسوم و **حافظ علی** طریق علمه لکن فراغت ایدر کاه خاتمه و کاه  
 جمیع و کسب کما بلوه اولوردی بوجاله لکن غری انجاده و محبت سنا شمشدر  
 عالمه بر بخت فکش که لری  
 لاجرم بولی سوزدی انک استنه فزادین  
 بر او ده عیش شادی بر اوه یاسلم  
**حافظ علی** منوی جوان و فارسی دان گشته ایدی بو مطلع المکر بیت  
 زلف مشکین کم صبا و حسین خرقه قوبر  
 هر طرف جان الما نر و شنه رفته قوبر  
**حالی** روم المینه کوشسته بالانجوسی و نیکه شمه اولان شه در آوی  
 عهد بودر با شنبور قاضی و بر لیدی حقا که نوم زمره قصا نیک سرتند  
 و اول طایفه نیک ستملوندی خلقی طرافت او زره محمود و مظهر و خلی  
 گرم و سخا و نله مذکور و معارف و کمال و سایر بر و صاف حالای این بولدر  
 معروفی و مشهور ایدی طریق علمه سلوک ایدر قادر کما فذ نیک خد شسته  
 و بر شد که در بون کج حجت اشدر ایدی حتی ملازمتین یاد مشانه عرض  
 اندکده و انچه تر است شمشدر طریق ندر سب سلوک ندره صکره روم المینه  
 قاضی و مشدر اشعاری عاشقانه و بر نایق و غلبه عشق ک ظهور صدور  
 انجمن و اصحاب کمال و بال ارباب مخالفه جا کیکر و مشدر بواسطه اشعار

حافظ علی

حافظ علی

حالی

مجموعه